

ارزیابی تغییرات مدیریتی و کالبدی - فضایی شهرهای پیرامون مادرشهر تهران

(موردپژوهی: شهر قدس)

حمیدرضا کوزه گر^۱، علیرضا استعلاجی^۲

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹، تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

چکیده

شهرگرایی شتابان، رشد روزافزون شهرها، افزایش تراکم جمعیت در نواحی شهری ناشی از مهاجرت و تبدیل کانون‌های روستایی به مکان‌های گسسته‌ی شهری و ادغام شهری به شهری دیگر سبب برهم خوردن تعادل فضایی جمعیت و برنامه‌ریزی، آسیب‌های اجتماعی و دگرگونی‌های کالبدی شهری فراگیر شده است که این تغییرها، نیاز به تغییرات مدیریتی و کالبدی - فضایی دارد. مدیریت حریم کلان‌شهرها به دلایل مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی، موضوعی چالش‌برانگیز و تنش‌آفرین در روابط بین سطوح حکومتی بوده است. کلان‌شهر تهران نیز در رابطه با مسائل توسعه در نواحی حریم با چالش‌هایی پرشمار روبه‌رو است. این مدیریت به لحاظ عمل‌کردی و جغرافیایی، یک مدیریت پراکنده است؛ از این رو، ضرورت به‌کارگیری نظام مدیریت یک‌پارچه‌ی شهری در این نواحی بایسته است. جامعه آماری شامل شهروندان و کارشناسان (مدیران و مسئولان) شهر قدس است که بر اساس برآورد فرمول کوکران، این تعداد برای شهروندان برابر با ۳۸۴ نفر و برای کارشناسان برابر با ۲۲۶ نفر تعیین شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزار SPSS و برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون t تک‌متغیره بهره‌گیری شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت یک‌پارچه در شهر قدس، به عنوان یکی از شهرهای پیرامون مادرشهر تهران، در سطحی نامناسب قرار دارد و تنها برقراری این مدیریت باعث پیش‌رفت عمرانی، خدماتی و رضایت عمومی می‌شود. در همین راستا، فرضیه‌ی پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است و پیوستن شهر قدس به شهر تهران از جنبه‌ی بهبود مدیریتی و کالبدی - فضایی در شهر قدس، اثرگذار است. کارشناسان و مردم شهر قدس در الحاق شهر قدس به شهر تهران دیدگاه موافق دارند و باورمندند که این عمل به دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و افزایش اعتبارات برای طرح‌های عمرانی شهر قدس می‌انجامد.

کلیدواژه‌گان: تغییرات مدیریتی، تغییرات کالبدی - فضایی، شهرهای پیرامونی، شهر قدس، کلان‌شهر تهران

۱. دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد واحد یادگار امام (ره)، تهران.

۲. استاد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد واحد یادگار امام (ره)، تهران، نویسنده مسئول، ایمیل: al_estelaji@yahoo.com

مقدمه

گسترش بی‌رویه‌ی شهر در زمین‌های پیرامونی از مهم‌ترین چالش‌ها برای مدیران و برنامه‌ریزان شهری است. «با توجه به این که امروزه در سراسر جهان، رشد شهری هم از نظر جمعیت و هم از نظر گسترش فضایی، منجر به تغییرات گسترده‌ای شده است، این پدیده به همراه پدیده‌ی شهرنشینی و رکود شهری در نقطه ثقل نگرانی‌های برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است (چاروسایی و ایلانلو، ۱۳۹۹). روستاها با توجه به نقش مهمی که در نظام تولید و اشتغال کشور دارند و همچنین با عنایت به سکونت حجم قابل توجهی از جمعیت که در خود جای داده اند، در نظام برنامه ریزی کشور از جایگاه ویژه ای برخوردارند و از اجزاء و عناصر اصلی توسعه ملی به شمار می آیند (سعیدی، عباس، ۱۳۸۸). امروزه بررسی روند تغییر کاربری زمین به کاربری شهری و گسترش فضایی شهرها و ادغام روستاها و حوزه‌های پیرامون آن‌ها یکی از پیامدهای اصلی «شهرنشینی شتابان» است که در «مادرشهرهای منطقه‌ای^۲» نمودی آشکاری دارد و نقش اساسی را در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت بازی می‌کند. مهاجرت بخصوص مهاجرت روستا به شهر به عنوان یکی از پیچیده ترین پدیده های جمعیتی تحولات بسیار زیادی را در گسترش شهر و شهرنشینی به خصوص در شهرهای بزرگ و مراکز استانها به وجود آورده است. امروزه این فرآیند اطلاعاتی است که شیوه جدیدی از توسعه را معرفی می کند و ویژگی اصلی آن عبارت است از پدیدار شدن فرآیند اطلاعات به عنوان هسته فعالیتی بنیادی که اثربخشی و بهره وری تمامی فرآیندهای فرآوری، پخش و مدیریت را تعیین می کند در صورتیکه اگر تاخیر بیشتری در این زمینه صورت گیرد و به توسعه فناوری های اطلاعات و ارتباطات در روستاها توجه جدی نشود مشکلاتی برای روستاها بوجود خواهد آمد که شاید جبران آن آسان نباشد. (انتقامی، آرش؛ علیرضا استعلاجی، ۱۳۹۳). این مهاجرین به دلیل فقر اقتصادی و عدم مهارت، تخصص و سواد کافی جذب حواشی شهرها و مناطق کم ارزش شهری شده اند و به دنبال خود مسایل و مشکلات بسیاری را در ابتدا برای مدیران و مسولان شهری و سپس برای سایر شهروندان به وجود آورنده اند. (علیمددی، بهاره و علیرضا استعلاجی، ۱۳۹۶) از این رو، پیش‌بینی روند گسترش شهرها و شیوه‌ی مدیریت و کنترل گسترش شهری بیش‌ازپیش ضرورت می‌یابد. کلان‌شهرهایی چون تهران، اصفهان، شیراز و بسیاری شهرهای دیگر کشور نیز از راه «ادغام یا الحاق سکونت‌گاه‌ها^۳» و زمین‌های پیرامون، به شکل کنونی خود رسیده‌اند. حریم شهر تهران در سال‌های اخیر با عدم کنترل، تداخل تصمیمات و اعمال سیاست‌های ناهماهنگ در مدیریت سرزمین، با لطمات شدید، آماج تخریب‌های زیست‌محیطی، تغییر کاربری و انواع ساخت‌وساز، با فروش بی‌ضابطه‌ی زمین‌های کشاورزی و گسترش بیش‌ازپیش دامنه‌ی اسکان غیررسمی شده است. نگاهی به آرایش فضایی موقعیت و جمعیت آبادی‌ها و «شهرهای پیرامونی^۴» تهران (شکل ۱) نشان می‌دهد که بیشینه‌ی آن‌ها مکان‌هایی با جمعیت بالای پنج هزار تن هستند.

مبانی نظری پژوهش

در رابطه با این پژوهش، چند اصطلاح کلیدی هست که نیازمند روشن‌سازی می‌باشد. این اصطلاح‌ها عبارت‌اند از: کالبد و بافت شهر، مدیریت شهری و ادغام یا الحاق شهری. در این راستا، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های هویت شهری، کالبد و بافت شهر است.

بافت کالبدی و ساختار مکانی- فضایی شهرها یکی از مهم‌ترین بُعدهای هویتی شهر را شکل می‌دهد؛ زیرا شکل‌گیری بافت کالبدی شهری از اندیشه‌ها، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ جامعه اثر می‌پذیرد. از این رو، شناخت این بخش از شهرها می‌تواند به شناخت بُعدهای دیگر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز بیانجامد. واقعیت آن است

-
1. Rapid Urbanization
 2. Regional Metropolises
 3. Settlement Coalescence
 4. Peripheral Towns/ Cities

که بافت کالبدی امکان‌بازشناسی هویت شهری را به‌صورت بصری فراهم و به همین دلیل از میان‌بُدهای دیگر هویتی ارجح‌تر است. کالبد شهر، نشانی از سیر فرگشت شهری است.

مدیریت شهری عبارت است از سازمانی گسترده، شکل‌یافته از عنصرها و جزءهای رسمی و نارسمی کارساز و در پیوسته با بُدهای گوناگون اجتماعی، اقتصادی و کالبدی زندگی شهری که به اداره، کنترل و هدایت توسعه همه‌جانبه و پایدار شهر می‌پردازد (نوید رضوانی، ۱۳۹۶: ۱۴). مدیریت شهری، مفهومی فراگیر است و بیش از حوزه کالبدی شهر را در بر می‌گیرد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۹: ۳۲۳).

ادغام یا الحاق شهری، پدیده‌ای است که مرزهای یک حوزه شهری به عرصه‌های پیرامونی گسترش می‌یابد و پاره‌های فضایی پیرامونی نوینی (روستا، شهرهای کوچک و حوزه‌های پیرامون) را به خود پیوست می‌سازد (Caves, 2005). این پدیده در دو فرایند گوناگون انجام می‌شود: یکی الحاق یا ادغام بی‌برنامه که با عنوان رشد بی‌رویه شناخته می‌شود و دیگری الحاق و ادغام برنامه‌ریزی‌شده و هدف‌مند. آشکار است که رشد بی‌رویه شهرها و کلان‌شهرها زاینده پدیده‌های گوناگونی است که در زنجیره‌ای هم‌بسته قابل ردیابی است و باید توجه داشت که ادغام عرصه‌های پیرامونی شهرها (به‌ویژه حوزه‌های کلان‌شهری) چون در پی نیازهای زمانی و روند تصمیم‌سازی‌های نهادهای رسمی و یا کارگزار

مدیریت شهری و در چهارچوب محدوده شهری رخ می‌دهد، پدیده‌ای دیگرگون با رشد بی‌رویه شهرها است. توسعه شهری در سیر تکامل خود دارای روند نسبتاً متعادلی بود (حسینی و سلیمانی مقدم، ۱۳۸۵: ۲۹). اما، تحولات فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی سده‌های ۱۹ و ۲۰ متأثر از مدرنیسم، گسترش شتابان شهرها و پیدایش کلان‌شهرها را موجب شده و تغییرات بنیادی را در سازمان فضایی- کالبدی آن‌ها به وجود آورده است (قدیری و دستا، ۱۳۹۵). روند رو به رشد مهاجرت‌های روستایی- شهری پدیده‌ای است که تقریباً در تمامی کشورهای درحال توسعه قابل مشاهده است. یکی از نخستین پیامدهای این روند، توزیع و انتقال فقر از محیط‌های روستایی به حوزه‌های شهری است (سعیدی، عباس‌۱۳۸۳). در اثر رشد فزاینده شهرها، گسترش کالبدی شهر به مناطق پیرامون و هم‌چنین افزایش تراکم و انباشتگی در درون شهرها پرهیزناپذیر خواهد بود (پناهی و زیاری، ۱۳۸۸: ۱-۲). از طرفی، امروزه با توجه به رشد و گسترش کالبدی، فضایی و جمعیتی و نیز تعدد و پیچیدگی مسائل و چالش‌های شهرها، نیاز به مدیریت یک‌پارچه‌ی شهری برای اداره‌ی امور عمومی شهرها، به‌ویژه کلان‌شهرها، بیش از پیش روشن شده است (Sarvar et al., 2017: 38). «مدیریت حریم کلان‌شهرها به دلایل مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی، همیشه موضوعی چالش‌برانگیز و تنش‌آفرین در روابط بین سطوح حکومتی بوده است.

گسترش شبکه‌های ارتباط و زیرساخت‌های شهری از یک طرف و عدم رعایت ابتدایی‌ترین نکات ایمنی در ساخت و سازهای شهری و بدون برنامه بودن رشد و توسعه شهر از سوی دیگر، زمینه ایجاد خسارت زیاد در زمان وقوع بحران را فراهم می‌سازد. (حسین زاده، نعمت؛ علیرضا استعلاجی و تهمینه دانیالی ۱۳۹۹) کلان‌شهر تهران نیز در رابطه با مسائل توسعه در نواحی حریم با چالش‌های متعددی روبه‌رو است که افزون بر منطقه‌ی کلان‌شهری تهران قلم‌رو ملی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. هم‌اکنون، وضعیت مدیریت حریم کلان‌شهرها هم به لحاظ عمل‌کردی و هم به لحاظ قلم‌رویی و جغرافیایی، یک مدیریت پراکنده است و در این نواحی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای یک‌پارچه و هماهنگی وجود ندارد، از این رو، ضرورت استفاده و به‌کارگیری نظام مدیریت یک‌پارچه و هماهنگ شهری در این نواحی کاملاً احساس می‌شود» (مهرنژادبورا، ۱۳۹۳: چکیده). بنابراین این روندی است طبیعی که در سراسر جهان در حال وقوع است و بایستی برای پیش‌گیری از اثرهای زیان‌بار آن از مدیریت‌های نوین، به‌ویژه مدیریت یک‌پارچه‌ی شهری بهره گرفت. درواقع، هر اقدام کلی در برنامه‌ریزی شهری، دربردارنده‌ی دو سیاست برجسته در حوزه‌ی شهر و پیرامون است (هاروی، ۱۳۷۶: ۳۷). بنابراین، هرگونه برنامه‌ریزی شهری، خواه‌ناخواه، با پیرامون پیوند می‌یابد. در راستای این پژوهش، مطالعاتی

در درون و بیرون کشور انجام شده است که همگی بر اصل ادغام مکان‌های روستایی و شهری یا مکان‌های شهری کوچک و بزرگ با هم‌دیگر تأکید دارند و به این نتیجه رسیده‌اند که الحاق‌های روستایی- شهری یا شهری- شهری، نقشی بسیار برجسته و پررنگ در توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی سکونت‌گاه‌های انسانی بازی می‌کند؛ چرا که از یک‌سو به هم‌گن‌سازی کالبد و فضای سرزمینی کمک می‌کند و از دیگر سو، مدیریت شهری را به سوی یک‌پارچگی پیش می‌راند. از نمونه‌ی این پژوهش‌ها در سطح بیرونی می‌توان به بررسی‌های دنگ و هم‌کاران (۲۰۰۰)، آنتروپ (۲۰۰۰)، لونگو (۲۰۰۱)، مک‌لارن و مولر، (۲۰۱۰) سرور و دیگران (۲۰۱۷) و در سطح درونی می‌توان به بررسی‌های ماجدی (۱۳۷۸)، استیری (۱۳۸۶)، حسینی حاصل (۱۳۹۰)، مهرنژادبورا (۱۳۹۳) و قدیری و دستا (۱۳۹۵) اشاره کرد. تحقق ادغام شهری و مدیریت یک‌پارچه‌ی شهری، نیازمند انجام تغییرات مدیریتی و کالبدی- فضایی است. به عبارت دیگر، با انجام این دو تغییر است که مسیری فراهم می‌شود که از راه آن می‌توان به سمت و سوی مدیریت یک‌پارچه‌ی شهری از یک‌سو، و ترکیب‌های سکونت‌گاهی از دیگر سو پیش کرد.

بیان مسأله

توسعه‌ی شبکه‌ی راه‌های ملی و منطقه‌ای پیونددهنده‌ی تهران به سایر نقاط کشور و نیز جانمایی صنایع جدید و دیگر فعالیت‌های نیازمند زمین انبوه و ارزان در کمربند تهران و نیز انتقال بعضی از فعالیت‌های مزاحم شهری به بیرون شهر و نیز محدودیت‌های پیش‌بینی‌شده در طرح جامع، سبب شده تا شهرها و آبادی‌های پیرامون این کلان‌شهر به سرعت رشد یافته و در دهه‌های اخیر، کانون‌های جمعیتی نوینی در کنار راه‌های اصلی پا گیرند. امروزه این مجموعه، بخش بزرگ سطح استان تهران را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، بیش‌ترین تراکم جمعیتی در پیرامون تهران، در محدوده جنوبی و در شهرستان‌های اسلامشهر، پاکدشت و ری و در غرب در امتداد اتوبان تهران- کرج در شهرستان‌های شهریار و شهر قدس نمود دارد. بزرگ‌ترین شهرهای استان پس از تهران، یعنی اسلامشهر، قدس و قرچک حاشیه‌نشین‌هایی بودند که به‌طور غیررسمی شکل گرفته و در چهل سال اخیر از یک روستای کوچک به یک کانون شهری بزرگ با تنگ‌ناها و چالش‌های پرشمار کالبدی- اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده‌اند. شناسایی ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، به‌عنوان عامل پدیدآورنده این شرایط و نیز ارائه‌ی راه‌کارهای لازم برای رفع نابرابری‌های فضایی و اجتماعی، از مهم‌ترین مسائل شهری است (کارگر، ۱۳۹۰: ۷) که خود به عنوان دگرگونی‌های کالبدی- فضایی گسترده قلم‌داد می‌شود، به یک مدیریت دگرگون‌یافته و نوین به نام مدیریت یک‌پارچه نیاز دارد. «مدیریت یک‌پارچه‌ی شهری به معنای اتخاذ یک روی‌کرد کل‌نگرانه و طراحی سازوکارهایی جهت پیگیری روی‌کرد مذکور در مدیریت شهری است». برای مدیریت شهری، مهم‌ترین شرط روش‌شناسانه، اتخاذ روی‌کرد سیستمی و کل‌نگر نسبت به مؤلفه‌های توسعه‌ی شهری است (فرهودی و قالیباف، ۱۳۸۸). این مدیریت در موفقیت روی‌کرد توسعه‌ی شهری بسیار اثرگذار است (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۶).

شهر قدس به‌عنوان یکی از شهرهای پیرامونی تهران، سوای مهاجرپذیری زیاد از سراسر کشور، حجمی بزرگ از «سرریز جمعیتی» تهران را نیز در خود جای می‌دهد. از همین رو، در چند سال اخیر، جمعیت آن چندبرابر شده است. دسترسی آسان به پایتخت، قرارگیری میان دو کلان‌شهر تهران و کرج، نزدیک بودن به راه‌های ارتباطی و کانون‌های صنعتی و خدماتی منطقه بر این روند دامن زده‌اند. رشد انفجاری جمعیت و برنامه‌ریزی نارسا برای آن باعث شده که خدمات‌رسانی مناسب صورت نگیرد و نابه‌سامانی‌هایی در خدمات عمومی از جمله آموزشی و بهداشتی- درمانی، فرهنگی و عمرانی دیده شود و از این لحاظ، تفاوتی برجسته با پایتخت دارد. در این راستا، محدوده‌ی مورد مطالعه در این پژوهش شهر قدس هست که افزایش جمعیت و صنایع در حوزه‌ی آن؛ منجر به انجام ساخت‌وسازهای بدون برنامه و دگرگونی‌های زیاد فضایی- کالبدی شده است که این عمل، از آسایش و رفاه شهروندان و خدمات‌دهی به آن‌ها کاسته است. از این

جهت، برای رویارویی با مشکل‌ها و تنگ‌ناهای موجود و ارائه راه‌کارهای پژوهش‌مبنای، این تحقیق به ارزیابی اثرهای ناشی از تغییرهای مدیریتی کلان‌شهر تهران بر ساختار فضایی- کالبدی شهر قدس - به عنوان یک شهر پیرامونی- و فرض الحاق شهر قدس به شهر تهران- پرداخته و راهبردها و تمهیدهای لازم برای بهینه‌سازی فرم فضایی- کالبدی و مدیریت شهری شهر قدس پیش‌گذاری می‌کند. جهت‌گیری اصلی پژوهش، مدیریت یک‌پارچه و دگرگونی‌های کالبدی- فضایی شهر قدس می‌باشد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

شهرهای پیرامونی مادرشهر تهران به دلیل وجود صنایع و جذب کارگران ارزان قیمت مهاجرو از طرفی ارزانتر بودن قیمت زمین و سهولت ساخت و ساز و عدم رعایت استانداردهای لازم و عدم رعایت اصول تفکیک اراضی باعث هجوم جمعیت کم درآمد و کارگران به سوی این گونه شهرها شده است و عدم برنامه ریزی مناسب و پایدار در شهرهای اقماری که با مرکز پایتخت فاصله چندانی ندارند باعث شده که خدمات رسانی مناسب برای شهرهای پیرامونی تهران صورت نگیرد و علی‌رغم نزدیکی به پایتخت در زمینه های خدمات عمومی از قبیل فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، درمانی، ورزشی و فضای سبز فاصله بسیاری نسبت به تهران و تفاوتی فاحش و آشکاری دارد. لذا با عنایت به این اختلاف سرانه ها و استانداردهای لازم، رشد مهاجرت و خوابگاهی بودن شهرهای پیرامونی برای تهران، بهره‌گیری از توان، امکانات و مدیریت کلان نگر شهر تهران امری ضروری به نظر می‌رسد. تغییر مدیریتی و یا به دلیل هم‌جواری و نزدیکی بیش از حد بعضی از شهرها از جمله شهر مورد مطالعه با الحاق این گونه شهرها به نظر می‌رسد در بهبود خدمات رسانی مناسب و عمران و آبادانی شهرهای پیرامونی و کاهش تفاوت با مادر شهر تهران تاثیر به‌سزایی خواهد داشت.

اهداف تحقیق

هدف از این مطالعه و تحقیق ارزیابی اثرات ناشی از تغییر مدیریتی و کالبدی، فضایی شهرهای پیرامونی مادر شهر تهران و خصوصاً شهر مورد مطالعه با نظریه الحاق شهر قدس به شهر تهران و تاثیر آن بر مدیریت شهری می‌باشد.

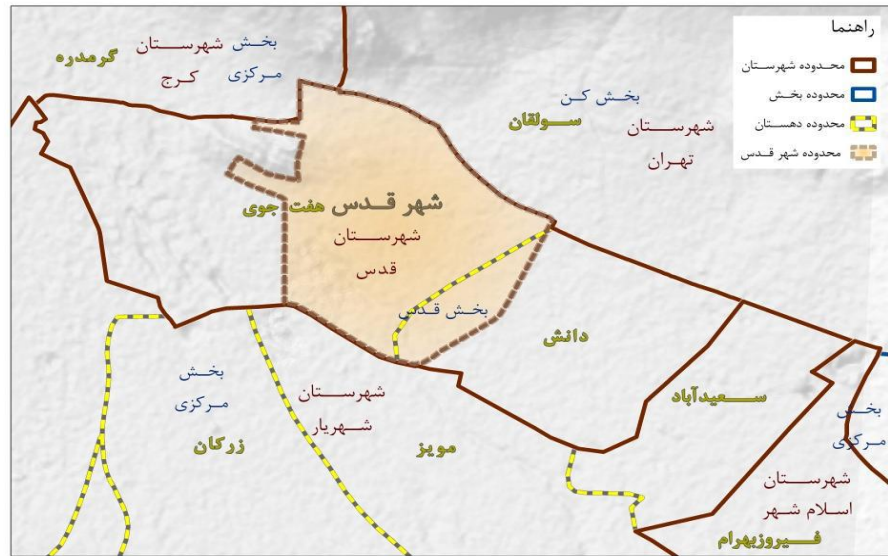
روش‌شناسی

روش تحقیق از دیدگاه روش‌سنجی، شناخت منظم مشکلات و نارسایی‌ها و کشف روابط علی‌آنها است و از نظر مراحل انجام کار، همه‌ی وسایل و فرآیند جمع‌آوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل سیستماتیک آنها به منظور کشف حقایق است (انوری و دیگران، ۱۳۹۸). روش پژوهش، از نظر هدف، کاربردی و از جنبه‌ی روش و ماهیت، توصیفی و پیمایشی است. جامعه‌ی آماری شامل شهروندان و کارشناسان (مدیران و مسئولان) شهر قدس است. بر اساس برآورد فرمول کوکران، این تعداد برای شهروندان برابر با ۳۸۴ نفر و برای کارشناسان برابر با ۲۲۶ تن تعیین شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزار SPSS و برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون t تک‌متغیره بهره‌گیری شده است.

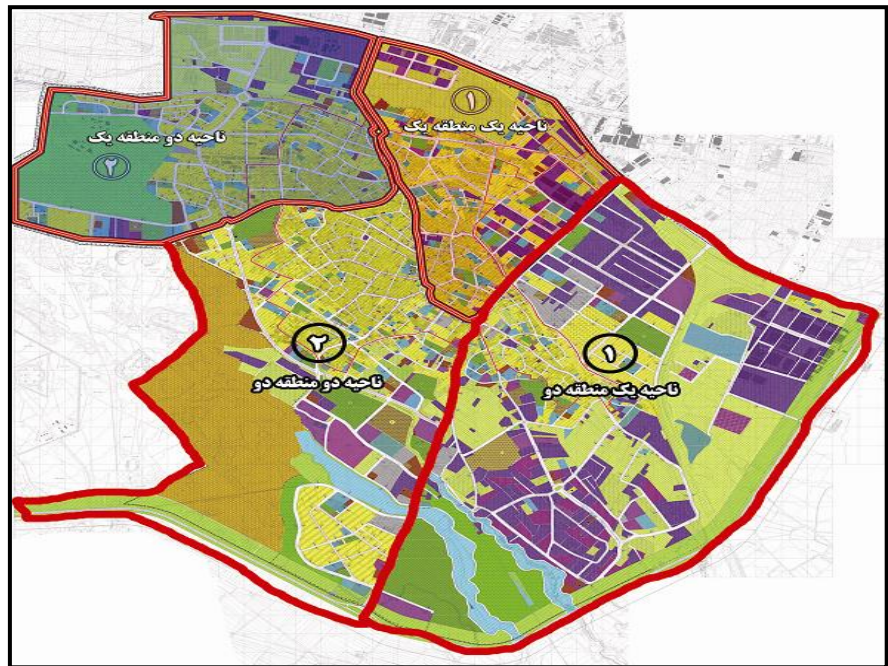
محدوده پژوهش

محدوده پژوهش شهرهای پیرامونی مادرشهر تهران با تأکید بر شهر قدس است. این شهر در حاشیه‌ی غربی تهران قرار دارد و با شهرداری‌های مناطق ۱۸، ۱۹ و ۲۱ هم‌جوار است. شهر قدس که در سال ۱۳۶۸ به عنوان شهر شناخته شد، از رشد روستای قلعه حسن‌خان و ادغام آن با نقاط دیگری مانند سرخ‌حصار، کاووسیه و شهرک بهشتی پا گرفت. این شهر نزدیک به ۲۷۰۰ هکتار مساحت دارد و بر پایه‌ی سرشماری سراسری ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، دارای ۳۰۹،۶۰۵ نفر جمعیت است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). شکل شماره‌ی ۱، موقعیت شهرهای تهران و قدس و شکل شماره‌ی ۲، محدوده و بافت مناطق و نواحی شهر قدس را نشان می‌دهد.

شهرقدس یکی از شهرهای شهرستان شهریار بود که بعد از شهرستان شدن از شهریار منفک و به عنوان یکی از شهرهای استان تهران شناخته می شود که همجواری آن با تهران اختلاف بسیار نحوه مدیریت شهری بین دو شهر تهران و قدس را نمایان میکند که یکی از اهداف این تحقیق تغییر مدیریت در شهر قدس می باشد و مدیریت یکپارچه و متمرکز تحت نظارت و حمایت مدیریت شهر تهران را به عنوان یک منطقه جدید یا یکی از محلات مطالعه و پیگیری می کند.



شکل ۱: موقعیت تهران و شهر قدس نسبت به آن - منبع: نگارنده بر اساس نقشه پایه استان تهران و البرز



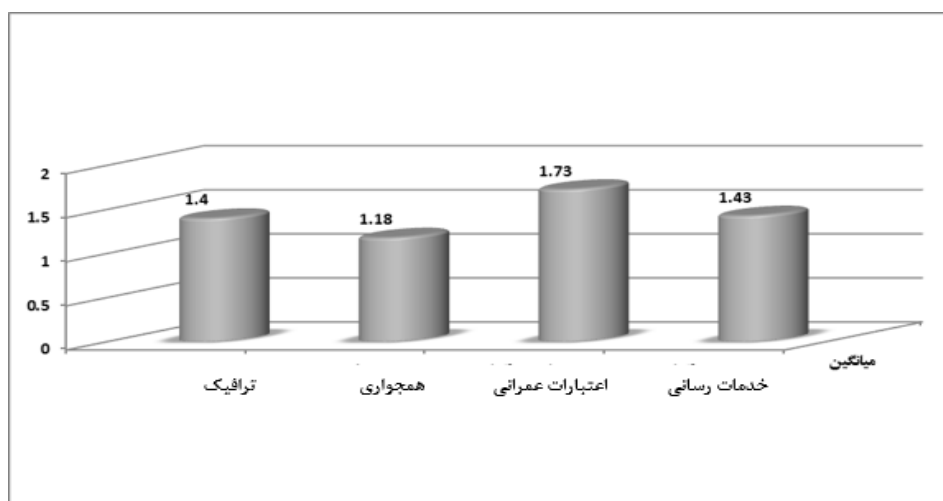
شکل ۲: محدوده و بافت مناطق و نواحی شهر قدس - منبع: نگارنده بر اساس نقشه تفصیلی شهر قدس

بحث و بررسی

چنانچه پیش تر اشاره شد، این پژوهش روی تغییرهای مدیریتی و کالبدی- فضایی شهرهای پیرامون مادرشهر تهران با تأکید بر شهر قدس، تمرکز کرده است. در این راستا، دو فرضیه فرعی در قالب یک فرضیه اصلی تعیین شده و شاخصهای لازم برای سنجش آنها در چهارچوب روش پژوهش برگزیده و سپس بررسی و تحلیل شده‌اند. برای

تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون t تک‌متغیره استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که در دو فرضیه‌ی مطرح‌شده، میزان t مشاهده‌شده از میزان t بحرانی، بزرگ‌تر است. در واقع، میزان تفاوت میانگین‌ها از نظر آماری در سطح آلفای ۵ صدم معنادار است و از این رو، فرض صفر رد می‌شود. هم‌چنین میان میانگین مشاهده‌شده و مورد انتظار، تفاوت معناداری دیده می‌شود؛ یعنی میانگین در سطح آلفای ۹۵٪ در بالای منحنی نرمال، یعنی فاصله‌ی میان (۰/۲۲۱ و ۰/۳۴۵) می‌باشد. بر این اساس، فرضیه‌ی پژوهش با جزئیاتی که در پی می‌آید، مورد آزمون قرار می‌گیرند.

فرضیه‌ی پژوهش و آزمون آن: در این فرضیه، با عنوان «به نظر می‌رسد مدیریت یک‌پارچه‌ی شهرهای پیرامون مادرشهر تهران (این‌جا شهر قدس)، باعث پیش‌رفت عمرانی، خدماتی و رضایت عمومی آن‌ها می‌شود» رابطه‌ی میان ۵ متغیر ترافیک، اعتبارات عمرانی، سطح فرهنگی، خدمات‌رسانی، نزدیکی و هم‌جواری با مدیریت یک‌پارچه‌ی شهرهای پیرامون مادرشهر تهران سنجش می‌شود، نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که مقدار $t=4/34$ در سطح آلفای ۰/۰۵ با ۹۵٪ اطمینان، معنادار است و فرض صفر رد می‌شود.



شکل ۳: میانگین شاخص‌های تغییرات مدیریتی و کالبدی قدس از نظر شهروندان

مقایسه‌ی حد میانه‌ی گویه‌های مورد بررسی در شاخص‌های تغییرات مدیریتی و کالبدی با میانگین وضع موجود از دیدگاه شهروندان نشانگر آن است که میزان وضع موجود هر یک از شاخص‌ها کم‌تر از حد میانه‌ی گویه‌ها می‌باشد. همان‌طور که شکل ۳ نشان می‌دهد، امتیاز هر چهار شاخص تغییرات مدیریتی و کالبدی پایین‌تر از ۳ است. از سوی دیگر، برای برآورد وضعیت کلی هر شاخص، میانگین کل گویه‌های هر شاخص برآورد و سپس با رکورگیری^۱ و در نظر گرفتن عدد ۳ به عنوان حد میانه، هر یک از شاخص‌ها در سه سطح پایین‌تر از حد میانه، میانه و بالاتر دسته‌بندی شدند. نتایج نشان داد که طبق نظر پاسخ‌گویان، شاخص ترافیک ۷۹/۷ درصد، شاخص هم‌جواری ۹۰/۸ درصد، شاخص اعتبارات عمرانی ۵۸ درصد و شاخص خدمات‌رسانی ۷۲/۳ درصد، پایین‌تر از حد میانه هستند (جدول ۱). بنابراین چنین می‌توان برداشت کرد که بر اساس نظرهای شهروندان، شهر قدس به لحاظ تغییرات مدیریتی و کالبدی در سطحی پایین قرار دارد.

جدول ۱- ارزیابی شهر قدس بر مبنای شاخص‌های تغییرات مدیریتی و کالبدی از نظر شهروندان

شاخص‌ها	پایین‌تر از حد میانه	میانه	بالتر از حد میانه
ترافیک	۷۹/۹	۰/۵	۱۹/۸
هم‌جواری	۹۰/۸	-	۹/۲
اعتبارات عمرانی	۵۸	۱۰/۶	۳۱/۴
خدمات‌رسانی	۷۲/۳	۱۲/۱	۱۵/۶

منبع: داده‌های پرسش‌نامه

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، امتیاز هر چهار شاخص تغییرات مدیریتی و کالبدی پایین‌تر از عدد ۳ می‌باشد. از طرف دیگر برای محاسبه وضعیت کلی هر شاخص، میانگین کل گویه‌های هر شاخص محاسبه و سپس با رگرددگیری و در نظر گرفتن عدد ۳ به عنوان حد میانه، هر یک از شاخص‌ها در سه سطح پایین‌تر از حد میانه، میانه و بالاتر از حد میانه دسته‌بندی شدند؛ نتایج نشان داد که در شاخص ترافیک ۶۱/۰۱ درصد، در شاخص هم‌جواری ۶۷/۸ درصد، در شاخص اعتبارات عمرانی ۴۵ درصد و در شاخص خدمات‌رسانی ۴۶/۳ درصد پایین‌تر از حد میانه جای دارند (جدول ۲). بنابراین در وهله نخست و با توجه به آمار توصیفی، چنین می‌توان برداشت کرد که بر اساس نظرهای کارشناسان (مدیران و مسئولان)، شهر قدس به لحاظ تغییرات مدیریتی و کالبدی هم در سطحی پایین است.

جدول ۲- ارزیابی شهر قدس بر مبنای شاخص‌های تغییرات مدیریتی و کالبدی از نظر کارشناسان (مدیران و مسئولان)

شاخص‌ها	پایین‌تر از حد میانه	میانه	بالتر از حد میانه
ترافیک	۶۱/۰۱	۰/۵	۱۱/۸
هم‌جواری	۶۷/۸	-	۵/۲
اعتبارات عمرانی	۴۵	۰/۶	۲۱/۴
خدمات‌رسانی	۴۶/۳	۲/۱	۱۰/۶

منبع: داده‌های پرسش‌نامه

فرضیه‌ی پژوهش به دو فرضیه‌ی فرعی تقسیم می‌شود که در ادامه به شکل جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند:

الف) فرضیه‌ی فرعی یکم: «میان متغیرهای ترافیک، اعتبارات عمرانی، سطح فرهنگی، خدمات‌رسانی و نزدیکی و هم‌جواری، با مدیریت یک‌پارچه‌ی شهرهای پیرامون مادرشهر تهران، رابطه وجود دارد». در این راستا، رگرسیون دارای یک متغیر وابسته‌ی مدیریت یک‌پارچه‌ی شهرهای پیرامون مادرشهر تهران و متغیرهای مستقل شبکه‌ی ترافیک، اعتبارات عمرانی، سطح فرهنگی، خدمات‌رسانی، نزدیکی و هم‌جواری است. بر پایه‌ی خروجی‌های رگرسیون مربوطه، مقدار R یا ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۸۵ و مقدار R Square یا به اختصار R^2 یا ضریب تعیین چندگانه برابر ۰/۶۸ است. بر اساس خروجی‌های آنوا (ANOVA)، مقدار p -value برابر ۰/۰۰۰ و در سطح ۵ درصد معنادار شده است. بنابراین مدل رگرسیونی برازش داده شده، معنادار است و مدلی مناسب و قابل پذیرش می‌باشد.

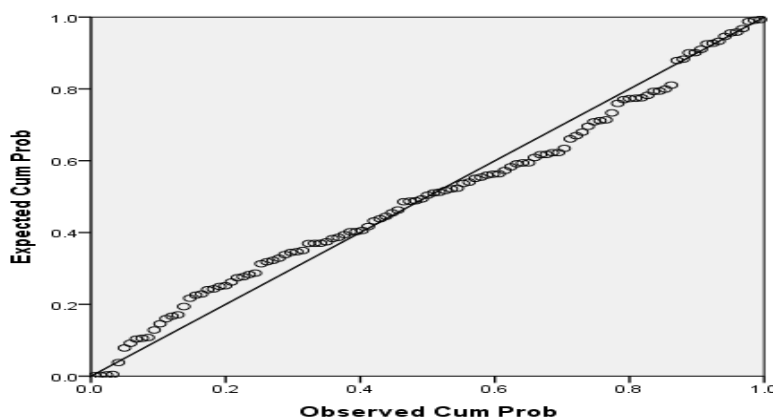
بر پایه‌ی جدول ۳ که اطلاعاتی را در مورد متغیرهای پیش‌بینی به ما می‌دهد، مقدار ثابت برابر ۰/۹۹۷ است و در سطح ۵ درصد معنادار شده است. ($pvalue=0.000<0.05$) نشان می‌دهد که ضرایب ترافیک، اعتبارات عمرانی، خدمات و هم‌جواری به ترتیب برابر ۰/۳۴۲، ۰/۲۵۰، ۰/۰۳۶ و ۰/۱۷۱ است که در سطح ۵ درصد معنادار شده‌اند. هم‌چنین نشان می‌دهد که این متغیرها اثری مثبت و معنادار بر پیش‌گویی متغیر وابسته دارد؛ اما متغیر سطح فرهنگ، مقدار معناداری برابر ۰/۱۷۴ دارد که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است و این نشان می‌دهد که این متغیر، در پیش‌گویی متغیر وابسته اثری ندارد.

جدول ۳- مقادیر ضرایب متغیرها و بررسی معناداری آنها برای فرضیه فرعی یکم

مقدار p-value	آماره‌ی آزمون t	مقدار ضرایب در رگرسیون	مدل رگرسیون
۰,۰۰۰	۶,۶۸۲	۰,۹۹۷	مقدار ثابت
۰,۰۰۶	۲,۷۹۰	۰,۳۴۲	ترافیک
۰,۰۳۸	۲,۱۲۲	۰,۲۵۰	اعتبارات عمرانی
۰,۱۷۴	۱,۳۷۳	۰,۱۴۷	سطح فرهنگ
۰,۰۰۷	۲,۶۵۰	۰,۳۴۰	خدمات رسانی
۰,۱۷۱	۱,۳۷۰	۰,۱۴۸	نزدیکی و هم‌جواری

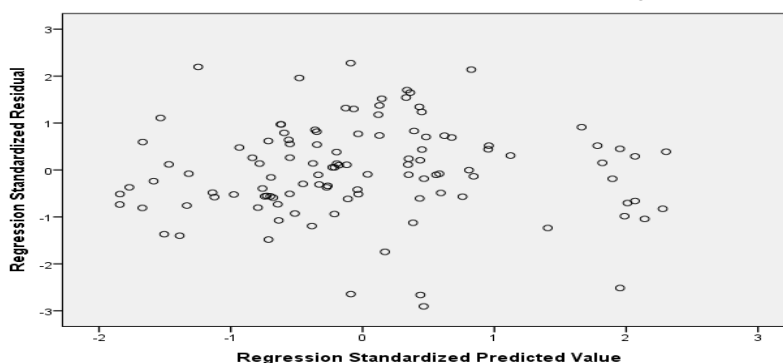
منبع: خروجی نرم‌افزار ANOVA

در این رابطه، نقاط پرت تک‌متغیره را می‌توان با رسم نمودار پراکنش یافت. بررسی مقادیر این ستون نشان می‌دهد که نقطه‌ی پرت چندمتغیره‌ای در میان متغیرهای مستقل وجود ندارد؛ یعنی هیچ مقداری بزرگتر یا مساوی با مقدار کای دوی ۱۲,۶۰۹ در سطح آلفا ۰,۰۰۱ نیست. طبق نمودارهای پراکنش مانده‌ها و مقادیر پیش‌بینی شده، می‌توان مشاهده کرد که هیچ رابطه‌ی مشخصی میان مانده‌ها و مقادیر پیش‌بینی شده وجود ندارد که این با فرض خطی بودن سازگار است (شکل ۴).



شکل ۴: نمودار پراکنش مانده‌ها و مقادیر پیش‌بینی شده‌ی رگرسیون مدیریت یک‌پارچه شهرهای پیرامون تهران

هم‌چنین از روی نمودار $p-p$ plot برای متغیر وابسته، می‌توان مشاهده کرد که مانده‌ها نسبتاً به طور نرمال توزیع شده‌اند؛ چون طبق این نمودار، اگر تمام نقاط روی نیم‌ساز ربع اول باشند، آنگاه داده‌ها کاملاً از توزیع نرمال پیروی می‌کنند. از این رو، نتیجه می‌شود که فرض‌های زیربنایی رگرسیون انجام شده برقرار است و نتایج رگرسیون دارای صحت و اعتبار می‌باشد (شکل ۵).



شکل ۵: نمودار احتمال نرمال بودن مانده‌های رگرسیون تغییرات مدیریت یک‌پارچه‌ی شهرهای پیرامون تهران

ب) فرضیه‌ی فرعی دوم: «میان متغیرهای ترافیک، اعتبارات عمرانی، سطح فرهنگی، خدمات‌رسانی، نزدیکی و هم‌جواری با تغییرات کالبدی- فضایی شهرهای پیرامون مادرشهر تهران، رابطه وجود دارد».

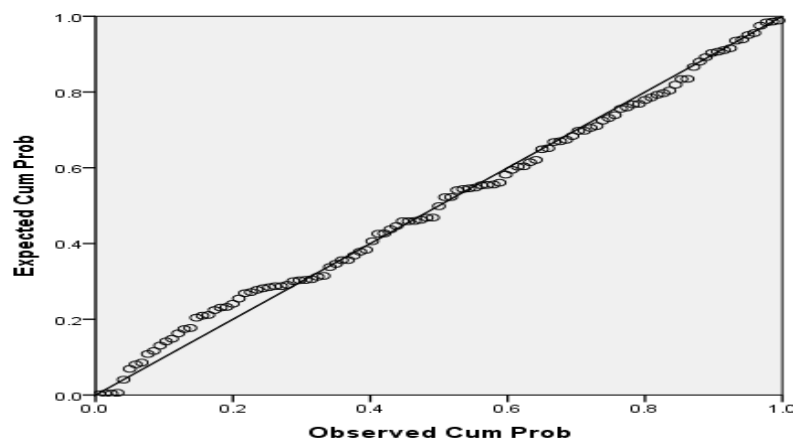
بر پایه‌ی خروجی‌های رگرسیون مربوطه، مقدار R یا ضریب همبستگی چندگانه برابر 0.82 و مقدار R Square یا به اختصار R^2 یا ضریب تعیین چندگانه برابر 0.64 است. بر اساس خروجی‌های آنوا (ANOVA)، مقدار p -value برابر 0.000 و در سطح 5 درصد معنادار شده است. بنابراین مدل رگرسیونی برازش داده شده، معنادار است و مدلی مناسب و قابل پذیرش می‌باشد. بر پایه‌ی جدول 4 که اطلاعاتی را در مورد متغیرهای پیش‌بینی به ما می‌دهد، مقدار ثابت برابر 0.886 است و در سطح 5 درصد معنادار شده است. ($pvalue=0.000 < 0.05$) نشان می‌دهد که ضرایب ترافیک، اعتبارات عمرانی، فرهنگ، خدمات و هم‌جواری به ترتیب برابر 0.079 ، 0.224 ، 0.079 ، 0.081 و 0.720 است که در سطح 5 درصد معنادار شده‌اند.

جدول ۴: مقادیر ضرایب متغیرها و بررسی معناداری آن‌ها برای فرضیه‌ی فرعی دوم

مقدار p-value	آماره‌ی آزمون t	مقدار ضرایب در رگرسیون	مدل رگرسیون
0.000	5.683	0.886	مقدار ثابت
0.004	3.082	0.5	ترافیک
0.65	1.874	0.224	اعتبارات عمرانی
0.493	0.693	0.079	فرهنگ
0.61	3.080	0.081	خدمات
0.62	3.062	0.720	نزدیکی و هم‌جواری

منبع: خروجی نرم‌افزار ANOVA

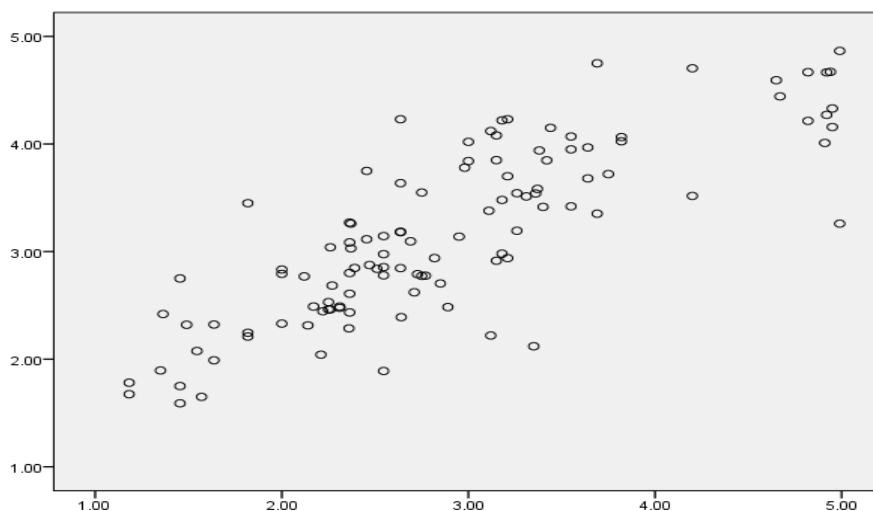
در این رابطه، نقاط پرت تک‌متغیره را می‌توان با رسم نمودار پراکنش یافت. بررسی مقادیر این ستون نشان می‌دهد که نقطه‌ی پرت چندمتغیره‌ای در میان متغیرهای مستقل وجود ندارد؛ یعنی هیچ مقداری بزرگتر یا مساوی با مقدار کای دوی 12.609 در سطح آلفا 0.01 نیست. طبق نمودارهای پراکنش مانده‌ها و مقادیر پیش‌بینی شده، می‌توان مشاهده کرد که هیچ رابطه‌ی مشخصی میان مانده‌ها و مقادیر پیش‌بینی شده وجود ندارد که این با فرض خطی بودن سازگار است (شکل ۶).



شکل ۶: نمودار پراکنش مانده‌ها و مقادیر پیش‌بینی شده‌ی رگرسیون مدیریت یک‌پارچه شهرهای پیرامون تهران

هم‌چنین از روی نمودار p -p plot برای متغیر وابسته، می‌توان مشاهده کرد که مانده‌ها نسبتاً به طور نرمال توزیع شده‌اند؛ چون طبق این نمودار، اگر تمام نقاط روی نیم‌ساز ربع اول باشند، آن‌گاه داده‌ها کاملاً از توزیع نرمال پیروی

می‌کند. از این رو، نتیجه می‌شود که فرض‌های زیربنایی رگرسیون انجام شده برقرار است و نتایج رگرسیون دارای صحت و اعتبار می‌باشد (شکل ۷).



شکل ۷: نمودار احتمال نرمال بودن مانده‌های رگرسیون تغییرات مدیریت یک پارچه‌ی شهرهای پیرامون تهران

در نتیجه، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه‌ی پژوهش (در هر دو فرضیه‌ی فرعی یکم و دوم)، می‌توان گفت از دیدگاه شهروندان و کارشناسان (مدیران و مسئولان)، مدیریت یک‌پارچه‌ی شهری، منجر به افزایش اعتبارات ملی در شهرهای پیرامونی می‌شود و با توجه به مطالب عنوان‌شده و بررسی سرانه‌های شهروندان تهرانی و شهرهای پیرامونی و به‌ویژه شهر مورد مطالعه، یعنی شهر قدس، سرانه‌های شهری افزایش چشم‌گیری خواهد داشت و به دلیل اعتبارات و منابع مالی و بودجه‌ی سرشار شهر تهران به عنوان کلان‌شهر مرکزی، اعتبارات عمرانی شهرهای پیرامونی هم به‌عنوان یک وصله‌ای ناجور افزایش می‌یابد تا با ساختار کالبدی شهر تهران هم‌گن‌تر شود. هم‌چنین با توجه به این که درآمد شهرداری‌های مناطق تهران در حساب مرکز واریز و پشت‌وانه‌ی سیاست‌گذاری و هزینه‌کرد طرح‌های عمرانی می‌شود، از این رو، پیوست این شهرها به تهران می‌تواند منجر به جذب بودجه‌ای هم‌ساز با هزینه‌های این شهرها و سرانجام کارآفرینی در سطح گسترده شود. از سویی دیگر، با توجه به این که بیش‌تر سفرهای برون‌شهری از «شهرهای اقماری» به تهران سفرهای کاری هستند، در دو زمان رفت و برگشت با پیک ترافیک روبه‌رو می‌شود و با توجه به این که سفرهای بین‌شهری در مسیر شهرهای اقماری به سایر نقاط تهران به‌طور پیوسته و روزانه است، بنابراین مدیریت واحد حمل‌ونقل و ترافیک، عاملی کارسازی در کنترل، نظارت و برنامه‌ریزی سفر و فراهم‌سازی امکانات، زیرساخت‌ها و افزایش شتاب در پهن‌سازی گذرگاه‌ها و تأمین خودروهای حمل‌ونقل عمومی می‌باشد و برنامه‌ریزی جهت توسعه‌ی حمل‌ونقل با ساخت خط‌آهن شهری، مترو و تراموا و توجه بیش‌تر مسئولان کلان‌شهری تهران و حساسیت‌های ترافیکی پایتخت در بهبودبخشی وضعیت مدیریت حمل‌ونقل شهرهای پیرامونی نیز اثری به‌سزا خواهد گذاشت.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش برای سنجش میزان توافق ساکنان شهر قدس نسبت به گویه‌های طرح‌شده در پرسش‌نامه، عدد ۳ به عنوان ملاک مقایسه‌ی نظرهای ساکنان شهر، در نظر گرفته شد. از آنجا که پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت تنظیم شده است، عدد ۳ میانگین پاسخ‌های مذکور است. وضعیت ابعاد ترافیک، نزدیکی و هم‌جواری، فرهنگ، اعتبارات طرح‌های عمرانی و خدمات‌دهی در شهر قدس در این مطالعه نشان داده شده است. بیش‌ترین انحراف‌معیار از میانگین، مربوط به شاخص

اعتبارات عمرانی و کم‌ترین آن مربوط به شاخص ترافیک و هم‌جواری است. مقایسه‌ی حد میانه‌ی گویه‌ها در شاخص‌های تغییرات مدیریتی و کالبدی، با میانگین وضع موجود از دیدگاه پرسش‌شوندگان نشانگر آن است که میزان وضع موجود هر یک از شاخص‌ها کم‌تر از حد میانه‌ی گویه‌ها است. همان‌طور که نمودار شکل ۳ نشان داد، امتیاز شاخص‌های تغییرات مدیریتی و کالبدی پایین‌تر از عدد ۳ بوده است. در این رابطه، نتایج نشان داد که در شاخص ترافیک ۷۹/۷ درصد، در شاخص هم‌جواری ۹۰/۸ درصد، در شاخص اعتبارات عمرانی ۵۸ درصد و در شاخص خدمات‌رسانی ۷۲/۳ درصد طبق نظر پاسخ‌گوها، پایین‌تر از حد میانه است (جدول ۱). بنابراین، چنین می‌توان برداشت نمود که شهر قدس، به عنوان یکی از شهرهای پیرامونی تهران، به لحاظ تغییرات مدیریتی و کالبدی در سطحی پایین قرار دارد. مقایسه‌ی حد میانه‌ی گویه‌های موردبررسی در شاخص‌های تغییرات مدیریتی و کالبدی با میانگین وضع موجود از دیدگاه کارشناسان (مدیران و مسئولان) نشانگر آن است که میزان وضع موجود هر یک از شاخص‌ها کم‌تر از حد میانه‌ی گویه‌ها است. امتیاز هر چهار شاخص تغییرات مدیریتی و کالبدی پایین‌تر از عدد ۳ می‌باشد. برای برآورد وضعیت کلی هر شاخص، میانگین کل گویه‌های هر شاخص محاسبه و سپس با رکورددگیری و در نظر گرفتن عدد ۳ به عنوان حد میانه، هر یک از شاخص‌ها در سه سطح پایین‌تر از حد میانه، میانه و بالاتر از حد میانه دسته‌بندی شدند. نتایج نشان داد که در شاخص ترافیک ۶۱/۰۱ درصد، در شاخص هم‌جواری ۶۷/۸ درصد، در شاخص اعتبارات عمرانی ۴۵ درصد و در شاخص خدمات‌رسانی ۴۶/۳ درصد از نظرهای کارشناسان (مدیران و مسئولان شهر) پایین‌تر از حد میانه قرار دارند (جدول ۲). بنابراین چنین می‌توان استنباط نمود که از نظر کارشناسان هم، شهر قدس به لحاظ تغییرات مدیریتی و کالبدی در سطح پایینی قرار دارد.

هم‌چنین در این پژوهش نشان داده شد که از نگاه مردم و بررسی مقایسه‌ای شاخص‌های مختلف خدماتی و رفاهی بین شهرهای پیرامونی و مادرشهر تهران، اختلاف بسیار است. با توجه به اشتراکات بسیار با تهران و نزدیکی و چسبندگی جانشدنی شهرهای پیرامونی به‌ویژه شهر قدس به این شهر، چه از لحاظ کالبدی و چه از جنبه‌ی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سفرهای روزانه‌ی پیاپی شهرهای پیرامونی به تهران و برعکس؛ و از طرفی، به دلیل منابع مالی بسیار تهران نسبت به شهرهای پیرامونی، مدیریت یکپارچه، اثری به‌سزا در توسعه و ارائه‌ی خدمات عمومی و شهری خواهد گذاشت. از گذشته، مدیریت هر یک از شهرهای پیرامون و مادرشهر تهران هر کدام جداگانه و به‌صورت موازی انجام شده که این امر باعث چندگانگی در مدیریت شهری و تصمیمات و اجرای سیاست‌های مختلف و سردرگمی شده که در نتیجه نه‌تنها مدیریت یک‌پارچه شهری در استان، بلکه در درون شهرها هم یک‌پارچگی شهری امری بی‌معنا بوده است. از آن‌جا که بخشی از صنایع و کارگاه‌های مولد که نیازهای پایه‌ای و ناپایه‌ای شهر تهران را پاسخ می‌دهد، در شهر قدس و محدوده‌ی قانونی آن واقع شده است؛ در راستای اعمال مدیریت یک‌پارچه در نظام مدیریت کلان‌شهری و بهره‌گیری از منابع فراوان مالی و تأمین و اختصاص بودجه‌ی کافی از محل اعتبارات دولتی و پایتخت، می‌بایست نظام هماهنگی تعریف شود تا مدیریت یک‌پارچه‌ی شهری، افزون بر تهران، در شهرهای پیرامون نیز اجرایی گردد. به عبارتی، بهتر است یک قانون و دستگاه مدیریتی وجود داشته باشد و تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها تنها توسط آن انجام و اجرایی گردد تا با سیاست و قوانین هماهنگ و یک‌دست نسبت به یک‌پارچگی منظر شهری و ارائه‌ی خدمات مناسب و برابر عمومی و شهری در کل استان اقدام شود.

پیشنهاد می‌شود ستاد مدیریت شهرداریهای شهرهای استان تهران تشکیل و شهرهای پیرامونی شهر تهران در غالب یک برنامه جامع کلان شهر تهران به صورت یکپارچه و هماهنگ برنامه ریزی و مدیریت شود.

منابع

۱. استعلاجی، علیرضا (۱۳۹۲)، اصول تحقیق و برنامه‌ریزی توسعه، تهران: انتشارات سمیع.
۲. استیری، حسین (۱۳۸۶)، سیر تحول کالبدی- فضایی روستاها در مسیر گسترش شهر تهران- مورد: روستای طرشت، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
۳. انتقامجی، آرش و استعلاجی، علیرضا، ۱۳۹۳، جایگاه فناوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه ریزی روستایی با تاکید بر رویکرد فرهنگی، اجتماعی، دوازدهمین کنگره انجمن جغرافیایی ایران با محوریت آمایش سرزمین، الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، نجف آباد
۴. انوری، سید احمد؛ بهزادفر، مصطفی؛ و شیعه، اسماعیل (۱۳۹۸)، ارتقای اصول مرتبط با نظام کنترل ساخت و ساز بر مبنای روی‌کرد پایداری و حقوق شهروندی، فصل‌نامه‌ی علمی- پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران، سال هجدهم، شماره‌ی ۶۵، ب. ۸۵ - ۹۷.
۵. پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی، حسین (۱۳۸۹)، نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران: سمت.
۶. پناهی، رجب و زیاری، کرامت‌اله (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر فعالیت‌های کشت و صنعت بر شهر نوبنیاد پارس‌آباد، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره‌ی ۸۳.
۷. توکلی، حسین و استعلاجی، علیرضا، ارزیابی تغییرات پیوندهای شهر و روستا در نظام توسعه پایدار ناحیه‌ای- مطالعه‌ی موردی: شهرستان ری و حوزه نفوذ، فصل‌نامه‌ی علمی- پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران، شماره‌ی ۵۸، پاییز ۹۷
۸. چاروسایی، علی و ایلانلو، مریم (۱۳۹۹)، راه‌کارهای مدیریت یک‌پارچه‌ی شهری- نمونه‌ی موردی: شهر اهواز، فصل‌نامه‌ی علمی- پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران، سال هجدهم، شماره‌ی ۶۵.
۹. حسین زاده، نعمت و استعلاجی، علیرضا و دانیالی، تهمنه، ۱۳۹۹، تبیین راهبردهای مدیریت بحران در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۹ شهرداری تهران) فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، دوره: ۱۳، شماره: ۱.
۱۰. حسینی، سیدهادی و سلیمانی مقدم، هادی (۱۳۸۵)، توسعه‌ی شهری و تضعیف مفاهیم محله‌ای، فصل‌نامه‌ی مسکن و انقلاب، شماره‌ی ۳۳۱.
۱۱. زنگی‌شبه، کامران و استعلاجی، علیرضا، تبیین زیست‌پذیری روستاهای منطقه کلان‌شهری تهران- مطالعه‌ی موردی: شهرستان ورامین، فصل‌نامه‌ی علمی- پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران، شماره‌ی ۵۸، پاییز ۹۷
۱۲. سعیدی، عباس و ابراهیم رستگار، اثربخشی طرحها و پروژههای عمرانی در توسعه اجتماعی - اقتصادی سکونتگاههای روستایی مورد: روستاهای بخش وراوی (شهرستان مهر) نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، سال هفتم، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۸۸
۱۳. سعیدی، عباس، روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی- شهری یک بررسی ادراکی، فصل‌نامه‌ی علمی- پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران، سال دوم، شماره ۲ بهار و تابستان ۱۳۸۳ (تاریخ چاپ: ۱۳۸۵)
۱۴. سعیدی، عباس و صدیقه حسینی حاصل (۱۳۹۰)، «ادغام کلان‌شهری سکونتگاه‌های روستایی با نگاهی به کلان‌شهر تهران و پیرامون»
۱۵. سعیدی، عباس، روابط و پیوندهای روستایی- شهری در ایران، تهران: نشر مهرمین.

۱۶. علیمددی، بهاره و استعلاجی، علیرضا (۱۳۹۶)، شناسایی فرصت ها و چالش های ساماندهی سکونتگاه های غیر رسمی از منظر مدیریت شهری (مورد مطالعه: اسلامشهر)، دومین کنفرانس بین المللی مهندسی عمران، معماری و مدیریت بحران، تهران
۱۷. فرهودی، رحمت اله و قالیباف، محمداقرا (۱۳۸۸)، تحلیل تقسیمات کالبدی شهری بر اساس مدیریت یک پارچه: نمونهی موردی: شهر شیراز، فصل نامه علمی- پژوهشی و بین المللی انجمن جغرافیایی ایران، ۶ (۱۸ و ۱۹)، ب.ب. ۲۷-۴۴.
۱۸. قدیری، محمود و دستا، فرزانه (۱۳۹۵)، «تحلیل الگوی رشد کالبدی- فضایی کلان شهر تهران»، فصل نامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و یکم، شماره یکم، بهار ۹۹، شماره پی پی ۰۷۵
۱۹. کارگر، بهمن و همکاران (۱۳۹۰)، شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲۰. ماجدی، حمید (۱۳۷۸)، «زمین مسئلهی اصلی توسعهی شهری»، مجلهی آبادی، شمارهی ۳۳، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۲۱. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۹۵، سال نامهی آماری ایران.
۲۲. مهرنژادبورا، پیمان (۱۳۹۳)، مدیریت یک پارچهی حریم کلان شهرها و ارائهی راهبردهای اولویت دار با استفاده از تکنیک های تحلیلی QSPM & SWOT، پایان نامهی کارشناسی ارشد، دانشکدهی هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
۲۳. نوید رضوانی، سعید (۱۳۹۶)، بهبود مدیریت شهری، تهران: دفتر مطالعات برنامه ریزی وزارت کشور.
۲۴. هاروی، دیوید (۱۳۷۶)، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمهی فرخ حسامیان و دیگران، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۲۵. هاشمی، حسین؛ رضویان، محمدتقی؛ و سجادی، ژیلا (۱۳۹۶)، نقش مدیریت شهری در موفقیت روی کرد راهبرد توسعهی شهری: نمونهی موردی: شهر قزوین، فصل نامه علمی- پژوهشی و بین المللی انجمن جغرافیایی ایران، سال پانزدهم، شمارهی ۵۴، ب.ب. ۱۲۹-۱۴۷.
26. Antrop, M. (2000). "Changing Patterns in The Urbanized Country Side of Western Europe", in: Landscape Economy Journal, vol 15, No 3, Pp.257-270.
27. Caves, R. W., (2005). Encyclopedia of the City, Routledge Publ., London-New York.
28. Deng, Zh., Huang, J., Rozelle, S. and Uchida, E. (2003). "Growth, Population and Industrialization, and Urban Land Expansion of China", in: Journal of Urban Economics, No 6, Pp.119-128.
29. Lungo, M., (2001). "Urban Sprawl and Land Regulation in Latin America", in: Land Lines, Volume 13, N. 2, Pp: 28-39.
30. Sarvar, Rahim; Ashtiani, Majid reza and Akbari, Majid (2017), Examining the Effective Factors on the Realization of Integrated Urban Management. Case Study: Tehran Metropolis, Geographical Society of Iran's Scientific & Research & International Journal, 15th year, No. 52, Spring. {In Persian}.